

Political studies of the new Islamic civilization
Vol. 3/ No. 5/ Spring & Summer 2023

**The foundations and principles of moral development of the family at the level
of modern Islamic civilization from the point of view of the statement
of the second step of the revolution**

Received: 29/11/2023

Accepted: 5/2/2024

Ruhollah Shahriari¹

(213-231)

The present research has been carried out with an exploratory analytical method and referring to the statement of the second step of the revolution, with the aim of explaining the foundations and principles of the moral development of the family from the perspective of the statement of the second step of the revolution, in order to help the family as the basic pillar of civilization to play an effective role in the realization of modern Islamic civilization. . The findings show that the statement of the second step of the revolution is fundamentally based on the transcultural nature of family values, the rationality of values measurement standards, the degree of values, the harmony of the good world and the hereafter, and the divine life of man. Also, by re-examining the extracted bases, and by forming a logical comparison of their implications in the field of the moral development of the family in line with the statement of the second step of the revolution, it was concluded that seven basic principles include the principle of conformity, the principle of responsibility, the principle of continuity, and the principle of rationality in family management. , the principle of priority, the principle of comprehensiveness and the principle of modification of conditions were obtained, each of which has several branches.

Keywords: moral growth, balanced family, statement of the second step of the revolution, new Islamic civilization.

1. PhD in Islamic Studies majoring in ethics, University of Islamic Studies, Qom, Iran, rooholla127@ gmail.com.



مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده تراز تمدن نوین اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب

تاریخ پذیرش: ۱۶/۱۱/۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۸/۹/۱۴۰۲

روح‌الله شهریاری^۱

(۲۳۱-۲۱۳)

چکیده

پژوهش پیش‌رو با روش تحلیلی اکتشافی و مراجعه به بیانیه گام دوم انقلاب، با هدف تبیین مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده از منظر بیانیه گام دوم انقلاب انجام شده است تا به خانواده به‌مثابه رکن اساسی تمدن‌ساز برای ایفای نقش مؤثر در تحقق تمدن نوین اسلامی یاری رساند. یافته‌ها نشان می‌دهد بیانیه گام دوم انقلاب از نظر مبانی بر فرافرہنگی بودن ارزش‌های خانواده، عقلانیت معیارسنجش ارزش‌ها، مدرج بودن ارزش‌ها، توأمانی خیردنیا و آخرت و حیات متألهانه انسان استوار است. همچنین با بررسی دوباره مبانی استخراج شده، و از راه تشکیل قیاس منطقی دلالت‌های آنها در حوزه بایدهای رشد اخلاقی خانواده منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب، استنتاج شد و هفت اصل اساسی شامل اصل انطباق، اصل مسئولیت، اصل استمرار، اصل عقلانیت در مدیریت خانواده، اصل اولویت، اصل جامع‌نگری و اصل اصلاح شرایط به‌دست آمد که هر یک از اصول دارای فروع متعدد است.

واژگان کلیدی: رشد اخلاقی، خانواده تراز، بیانیه گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی.

۱. دانش‌آموخته دکتری معارف اسلامی گرایش اخلاق، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران،

rooholla127@gmail.com

مقدمه

خانواده سنگ‌بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به هم پیوند می‌دهد. در نتیجه خانواده مرکز ثقل جامعه اسلامی است و هیچ سازمان و بنایی محبوب‌تر از آن در نزد خداوند وجود ندارد. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳: ۲۲۲) به علاوه یکی از پایه‌های مهم تمدن‌ساز خانواده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) که رشد اخلاقی آن نقش بسزایی در شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کند. با این حال، خانواده در صورتی در مسیر رشد اخلاقی صحیح و در نتیجه ایفای نقش تمدنی خود قرار می‌گیرد که ابتنای بر پیش‌فرض‌ها و دستورالعمل‌های کلی متقن داشته باشد. از سوی دیگر، «بیانیه گام دوم انقلاب» به مثابه راهبرد استمرار حرکت نظام اسلامی به سمت هدف غایی آن، که تحقق تمدن نوین اسلامی است، تلقی می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) از این رو، واکاوی عناصر گوناگون تمدن‌ساز از نظر انطباق و هماهنگی آنها با این بیانیه، لازمه اصلاح و تعالی بخشی آنها و در نتیجه لازمه تحقق تمدن اسلامی است.

خانواده در صورتی می‌تواند نقش حیاتی خود به منزله سنگ‌بنای جامعه اسلامی را در ایجاد تمدن نوین اسلامی ایفا کند که در دو بعد هست‌ها (مبانی) و باید‌های خود (تجویزات) که هویت‌ساز و جهت‌ساز هستند، در مسیر رشد اخلاقی قرار گیرد و برای این منظور، باید ابتدا بر بیانیه گام دوم انقلاب داشته باشد. از همین روی با توجه به آنکه بیانیه گام دوم به منزله راهبرد ایجاد تمدن نوین اسلامی است، تحلیل و بررسی آن می‌تواند چهارچوب و خطوط رشد اخلاقی خانواده را ترسیم کند.

ترسیم مبانی و اصول ارزشی خانواده روشن‌کننده مسیر رشد و سلوک خانوادگی و موجب اعتماد و یقین به درستی جهت و مقصد آن خواهد بود و یقین و قوت در یقین، قوت در مسیر را به همراه خواهد داشت؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «كُنْ مُوقِنًا تَكُنْ قَوِيًّا؛ اهل یقین باش تا قوی باشی». (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۹۲؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۶۰۰) در این صورت، حرکت و سلوک خانوادگی استوارتر و آگاهانه‌تر صورت می‌پذیرد و توصیه‌ها و تجویزها را در مسیر صحیح قرار می‌دهد.

بدین منظور، پژوهش پیش‌رو بیانیه گام دوم انقلاب را با هدف تبیین مبانی و اصول ارزشی خانواده برای رشد و تعالی آن مطمح نظر قرار داده است تا در پرتو آن، به تحقق خانواده تراز تمدن نوین اسلامی یاری رساند.

در باره پیشینه پژوهش باید گفت هرچند پژوهش‌های قابل توجهی مبتنی بر بیانیه گام دوم انجام شده است، ولی طبق نتایج بررسی‌ها تاکنون پژوهشی که به تبیین مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده براساس بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته باشد، یافت نشد.

پژوهش پیش‌رو با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از دوروش هم‌زمان تحلیلی (برای تعیین مبانی) و کشفی (برای استنتاج اصول) انجام شده است. تحلیل محتوا روشی است که به بررسی نظام‌مند محتوای درون متن و کشف مضامین خاص آن می‌پردازد. در روش تحلیل محتوای کیفی، پژوهشگر اغلب با مجموعه‌ای از اصول کار را آغاز می‌کند و در پی بیرون کشیدن معنا از متن با کمک قواعد و اصول ویژه است. در روش اکتشافی، یادگیرندگان تشویق می‌شوند تا با محیط خود به تعامل بپردازند، یعنی در آن به کاوشگری و دست‌کاری اشیاء، دست‌وپنجه نرم کردن با پرسش‌ها یا انجام آزمایش اقدام کنند و در نتیجه به فهم موضوع برسند. (رهنمایی، ۱۳۹۹)

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مبانی

مبانی پیش‌فرض‌هایی است که هر شاخه علمی بر آنها متکی است. به بیان دقیق‌تر، مبانی گزاره‌های خبری که یا بدیهی‌اند یا از دانش‌های دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تعیین

۱. از جمله موسی‌زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی، اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب را مورد توجه قرار داده است و در پرتو آن ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، استکبارستیزی، معنویت، عقلانیت و مردم‌سالاری را به‌عنوان مؤلفه‌ها و ملزومات راه نظام‌سازی اسلامی تبیین کرده است. رهنمایی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی نشان داده است مؤلفه‌های هفتگانه بیانیه منطبق با مبانی کلامی و فطری دین اسلام است. در پژوهش دیگری جعفری‌پناه و میرعلی (۱۳۹۹) بیانیه گام دوم انقلاب را از منظر جایگاه خودسازی در تحقق صلح عادلانه مورد توجه قرار داده و تصریح کرده‌اند که خودسازی به‌عنوان مهم‌ترین گام و مقدم بر جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است.

اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع، و روش‌ها در ساحت‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی به‌کار می‌آیند. (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۶۵) مبانی به چند دسته تقسیم می‌شوند از جمله مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی. (شریفی، ۱۳۹۴: ۲۲۷) در تقسیم‌بندی دیگری نیز به پنج دسته معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی تقسیم شده است. (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۸۵) در این میان، مبانی ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی از آن‌رو که در طرح‌ریزی و اتخاذ راهبردی در اولویت برنامه‌ریزان قرار می‌گیرند، مورد توجه و اهمیت بیشتر است. به همین دلیل، در این پژوهش به مبانی ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی اشاره می‌شود. مقصود از مبانی ارزش‌شناختی مباحثی درباره‌ی تعریف ارزش، انواع ارزش، مراتب ارزش، واقعی یا غیرواقعی بودن ارزش، منشأ ارزش، معیار سنجش ارزش، ثبات یا تغییر ارزش، مطلق یا نسبی بودن ارزش و مانند اینهاست. (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۱۹۱؛ شریفی، ۱۳۹۴: ۳۳۲-۳۴۴) مراد از مبانی انسان‌شناختی مباحثی است که تأثیر مستقیمی بر مطالعات انسانی و تحلیل‌کنش‌های انسانی دارد، مانند سرشت مشترک انسان‌ها، ترکیب انسان از روح و بدن و کمال‌جویی انسان. (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۲۱)

۲-۱. اصول

واژه‌ی اصل و اصول در بیشتر شاخه‌های علمی به‌کار می‌روند. مراد از اصول در حوزه‌ی تربیت و تهذیب، گزاره‌های تجویزی و یا دستورالعمل‌های تربیتی است که ازسویی با مبانی و ازسوی دیگر با فعالیت‌های تربیت رابطه دارند و راهنمای عملیات تربیت است. (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۲۹۱) به لحاظ کارکردی، اصول و روش‌ها هر دو از یک سنخ یعنی جزو دستورالعمل‌ها هستند و تنها از حیث کلی و جزئی متفاوت‌اند؛ به‌گونه‌ای که اصول کلی‌تر از روش‌هاست. (باقری، ۱۳۸۹: ۸۸) از هر اصل تربیتی می‌توان چند روش استخراج کرد. اصول نیز از نظر کلیت در عرض هم نیستند، بلکه ممکن است از یک اصل چند اصل جزئی‌تر استخراج شود. (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۲۹۳)

۳-۱. رشد اخلاقی

رشد اخلاقی^۱ فرایند است؛ به‌گونه‌ای که فرد از طریق آن به توانایی انطباق رفتارهای خود با ملاک‌ها و معیارهای درست و نادرست دست می‌یابد. (Rebe, Reber, 2001, p.444) چنین توانایی را در سه زمینه می‌توان دسته‌بندی کرد؛ نخست تشخیص رفتارهای درست از نادرست؛ دوم شکل‌دهی نظام ارزش‌های اخلاقی و سوم یادگیری انجام عمل طبق معیارها و اصول اخلاقی. (کریم‌زاده، ۱۳۹۱)

۲. خانواده در بیانیه گام دوم انقلاب

به مبانی قریب و اصول ارزشی زیست خانواده در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره مستقیم نشده است؛ ولی از آن‌رو که این سند به‌منزله راهبردی است برای ترسیم خطوط حرکت انقلاب در ارکان گوناگون به‌سمت هدف عالی آن، که ایجاد تمدن نوین اسلامی است و ازسوی دیگر از جمله پایه‌های تمدن‌ساز رکن خانواده و سبک زندگی است، (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) نمی‌تواند به حوزه خانواده بی‌توجه باشد؛ می‌توان ادعا کرد بی‌توجه نیست چون به لحاظ مبنايي، نسبت مبانی توصیفی فلسفی بیانیه با مبانی ارزش‌شناختی خانواده عموم و خصوص مطلق است؛ بنابراین، با کشف مبانی توصیفی بیانیه در حوزه ارزش‌ها و استنتاج اصول اخلاقی از آنها (با تشکیل قیاس منطقی در هر مورد)، می‌توان خلأ ظاهری موجود را برطرف کرد و به ارائه مبانی و اصول اخلاقی رشد خانواده تراز تمدن نوین اسلامی، که منطبق با بیانیه گام دوم انقلاب است، دست یافت.

۳. مبانی ارزش‌شناختی خانواده

۳-۱. فرافرهنگی بودن ارزش‌های خانواده

پژوهش‌های پرشماری در سال‌های متمادی این نتیجه را تأیید کرده است که زوجین از جهات گوناگون با هم همانندی دارند؛ هم‌نژادند، دین مشترک دارند، به لحاظ ویژگی‌های جامعه‌شناختی مانند سن، نژاد، مذهب، تحصیلات و طبقه اجتماعی و همچنین از جهات

1. Moral development.

روان‌شناختی مانند هوش، و ویژگی‌های بدن‌مانند قد و رنگ چشم همانندند. (اتکینسون و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۲۰) این مسئله ممکن است به‌مثابه ارزش و ملاک در همسرگزینی و سلوک خانوادگی مطرح شود؛ به این معنا که بنیان خانواده بر مبنای ارزش‌های فرهنگی خاص مانند نژاد، جغرافیا، قوم و قبیله طرح‌ریزی شده، این موارد رنگ ارزش‌شناختی به خود بگیرد. این درحالی است که در اندیشه دینی، ضمن آنکه بر شباهت‌ها و هماهنگی زوجین در ابعاد گوناگون تأکید می‌شود، به لحاظ ارزش‌شناختی، ارزش‌های خانوادگی فراکانونی شمرده می‌شوند. به این معنا که جهان‌شمول بوده و مرزهای فرهنگی، جغرافیایی، نژادی و قومی را درنور دیده است. از همین روی دعوت پیامبران الهی به لحاظ ماهیت و اصالت ارزش‌ها دعوتی است که مختص طبقه یا گروه خاص یا زمان و مکان خاصی نیست،^۱ بلکه جریان نبوت جریان واحد و اساس دعوت آنها نیز واحد است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۱۳) در قرآن کریم نیز مخاطب دعوت پیامبران الهی مطلق انسان‌ها (الناس) معرفی شده است. (بقره: ۱۳۶؛ اعراف: ۱۵۸)

بررسی بیانیه گام دوم نشان می‌دهد عناصر کلیدی ارزشی که در این بیانیه ارائه شده، دارای چنین هویتی است؛ از جمله ارزش‌هایی که به آنها تأکید شده عبارت هستند از: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه، خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس، معنویت، عدالت و مبارزه با فساد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) جهان‌شمول بودن ارزش‌ها نشان می‌دهد آنها از نسبی‌پذیری مصون هستند؛ چراکه با فطرت بشر بیگانه نیستند و هیچ عقیده‌ای بر انسان تحمیل نشده است و آنچه به‌عنوان رهاورد وحی از مجرای وجود مقدس پیامبران علیهم‌السلام بر فطرت انسان جاری شده است، شرح و بسط حقایقی است که به‌طور اجمال در فطرت او نهاده شده و امتداد همان رشته‌ای است که خداوند برگردن آدمی نهاده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف: ۴۱) از این رو چون مؤلفه‌های حاضر مطابق با فطرت انسان است و فطرت انسان همان بعد اصیل و هویت حقیقی انسان

۱. البته مراد این نیست که در محتوای وحی، بین همه پیامبران در همه زمان‌ها و مکان‌ها هیچ‌گونه اختلافی وجود نداشته است. ممکن است پاره‌ای از جزئیات احکام در زمان‌ها و مکان‌ها یا اقوام مختلف، تفاوت داشته است (ر.ک مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۳۲-۲۳۵).

را شکل می‌دهد (شهبازی و نجفی، ۱۳۹۹) و چون این هویت بنا بر مشترک بودن گوهر اصلی آن یعنی فطرت، نسبی‌ناپذیر و زوال‌ناپذیر است، عناصر و مؤلفه‌های برخاسته از آن نیز نسبی‌ناپذیر خواهند بود. در نتیجه در ارزش‌های خانواده باید به شمولیت و فرافرهنگی بودن ارزش‌ها به منزله زیربنا و بنیان زیست خانواده عنایت شود. اهمیت و جایگاه این مبنا علاوه بر نکته پیش‌گفته در دلالت‌های آن در ساحت باید‌ها روشن خواهد شد که در بحث اصول زیست خانواده تراز تمدن نوین اسلامی به آن اشاره می‌شود.

۳-۲. مدرج بودن ارزش‌ها

ارزش‌های فراوانی بر کانون هر خانواده حاکم است و این مطلب آشکار است، ولی واکاوی بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد ارزش‌ها دارای عنصر تدرج هستند؛ به طوری که از نظر اصالت و اعتبار طبقه‌بندی می‌شوند و نیز از نظر تشکیک شدت و ضعف می‌پذیرند. از همین روی در توصیه‌های هفتگانه بیانیه گام دوم انقلاب، عناصر «معنویت» و «اخلاق» بر همه گزاره‌های تجویزی برتری داده شده است. براساس بیانیه، «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی است؛ به طوری که بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند». (همان) همچنین یکی از بالاترین درجات ارزشی تمدن‌سازی اسلامی نام گرفته و نیز بالاتر از آن، ارزش ایجاد آمادگی برای ظهور منجی عالم بشریت عجله قرار داده شده است. (همان) به علاوه سخن از دو نوع ظرفیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی به میان آمده که «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است». (همان) این فرازا نشان می‌دهد ارزش‌ها به لحاظ کمی مراتب دارند که مرتبه والا متعلق به ارزش‌های معنوی است؛ به طوری که ارزش اصیل از آن‌ها گونه ارزش‌هاست. این مهم از نظر ارزش‌شناختی، بیانگر تدرج در ارزش‌ها در بعد کمی است. مراد از مدرج بودن ارزش این است که برخی ارزش‌ها از نظر ماهیت، نسبت به برخی دیگر، ارزش فزون‌تری دارند. در این فرض از میان اموری که به ارزش‌گیری متصف می‌شوند، هر چیزی که در دستیابی به هدف نهایی یعنی قرب الهی تأثیر بیشتری

داشته باشد، ارزشمندتر خواهد بود و هر مقدار که از تأثیر در این هدف کاسته شود، ارزش گیری نیز دچار کاستی می‌شود.

به این ترتیب، ارزش گیری دارای شدت و ضعف و مراتب گوناگون است. برای نمونه، ارزش علوم و معارف دینی که برای سعادت ابدی انسان ضروری‌اند، بیش از ارزش علوم تجربی است که محدوده تأثیرگذاری آنها زندگی دنیاست؛ گرچه علوم تجربی نیز تا جایی که با واسطه برای رشد و تعالی فضیلت‌های انسانی و امکان تقرب بیشتر به خداوند زمینه بهتری فراهم می‌کنند ارزشمند هستند. این امر نشان‌دهنده آن است که از دیدگاه اسلام، نمی‌توان برای ارزش گذاری تنها از معیار سلب و ایجاب یا صفر و یک استفاده کرد، بلکه باید در اندازه‌گیری ارزش‌ها به پیوستگی ارزش و در مقایسه ارزش‌ها به برتری یکی بر دیگری توجه داشت. (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۱۹۸-۱۹۹)

علاوه بر تدرج در حیث کمی که تاکنون بیان شد، تدرج به مراتب کیفی در یک ارزش نیز ناظر است؛ به این معنا که هر مفهوم ارزشی دارای مراتب شدت و ضعف است و ماهیت مشکک دارد. در بیانیه گام دوم انقلاب، به این حیث از تدرج نیز اشاره‌هایی شده است؛ چنان‌که سخن از رشد هرچه بیشتر ارزش‌ها به میان آمده است که نشان می‌دهد اتصاف به ارزش امری تشکیکی است. «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت». (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

۳-۳. عقلانیت معیار سنجش ارزش

خانواده نیازمند تمییز ارزش‌ها از ضدارزش‌ها و بیان درجه اعتبار هر کدام است. به این مهم در بیانیه گام دوم انقلاب به‌طور کلان اشاره شده؛ به این معنا که معیاری برای سنجش ارزش ارائه شده است. در بیانیه گام دوم انقلاب، در کنار عناصری مانند معنویت و اخلاق، از عقلانیت یاد شده است. مؤلفه‌ای که به اعتقاد رهبر انقلاب با کمک آن می‌توان مسیر اهداف انقلاب را روشن‌تر پیمود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) این مؤلفه از چنان جایگاهی برخوردار است که معتقدند حتی در رویارویی با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، ستیز معقولانه ضرورت

دارد. (همان) به‌علاوه رشد و تعالی معنوی مبتنی بر شعور معنوی شده است. (همان) در فراز دیگری بر حکمت‌سنجی تأکید شده است. (همان) همچنین در مناسبات مدیریتی، خردورزی ضرورت داده شده است. (همان) این نوع از توجه به عنصر عقلانیت نشان می‌دهد عقلانیت به‌مثابه معیاری برای سنجش ارزش‌ها و نیز ارزیابی و تعیین حسن و قبح در نظر گرفته شده است.

روشن است خانواده نیز برای مدیریت، حکمت‌سنجی، تعیین اهداف و ستیز با کانون‌های ضد‌معنویت و اخلاق به این ملاک نیازمند است. این نکته در مباحث ارزش‌شناختی در زمره مباحث مهم است؛ به این معنا که یکی از مباحث مورد توجه در مبانی ارزش‌شناختی، توجه به سنجه‌هاست. در این بحث، سخن از ملاک‌هایی است که به‌وسیله آنها می‌توان ارزش‌های اصیل را شناخت که از جمله راه‌های تشخیص ارزش، عقل است. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۸۵؛ فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۲۰۲) «عقل نیروی تمیز بین خیر و نافع و ما بین شر و مضر است، آنها را تصدیق می‌کند، و معین می‌کند که فلان قانون حاجتی از حوائج واقعی انسان را برمی‌آورد، و یا رفع احتیاج نمی‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۲۸۹) به کمک عقل می‌توان ارزش ذاتی را تشخیص داد؛ به‌علاوه، بسیاری از ارزش‌های غیري نیز با کمک عقل قابل تشخیص است. (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۲۰۲)

۳-۴. توأمانی خیر دنیا و آخرت

یکی از مسائل ارزش‌شناختی در خانواده ناظر به جایگاه عناصر مادی و معنوی است. به این معنا که باید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا در سلوک خانوادگی، توجه به توسعه مادی و لذت‌های دنیوی جایز و بلکه پسندیده و در زمره ارزش‌هاست و یا باید به مظاهر مادی زندگی با دید منفی و ضد‌ارزشی نگریست؟ پیداست اگر توجه به عناصر مادی به‌منزله ارزش مطرح باشد، نه تنها تمنا و تحقق آنها مذموم نیست، بلکه بی‌توجهی به ساحت‌های مادی زندگی ناپسند خواهد بود. از منظر معارف قرآن، طلب خیرات دنیوی فی‌الجمله منافاتی با طلب خیرات اخروی ندارد؛ یعنی امکان جمع خیر دنیا و آخرت وجود دارد.

در قرآن کریم اشاره شده است که برخی پیامبران الهی طالب بالاترین عزت‌ها و بهره‌مندی‌های دنیایی بوده‌اند: «هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي»؛ (ص: ۳۵) حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ‌کس نباشد. در برخی دعاها نیز به این مسئله اشاره شده است. در دعای ماه رجب این‌گونه از خدای متعال طلب می‌شود: «أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَ أَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ». (قمی، ۱۴۲۶: ۲۳۰) از سوی دیگر رهبانیت ورزیدن و ترک دنیا سرزنش شده و بر بهره‌گیری از مواهب دنیوی تأکید شده است «لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا». (قصص: ۷۷) نتیجه اینکه معارف قرآنی میان لذت‌های دنیا و لذت‌های آخرت جمع کرده است. بنابراین، به فعلیت رساندن آن می‌تواند مورد طلب و درخواست انسان مؤمن قرار گیرد و ارزشمند تلقی شود. از این‌روست که بیانیه گام دوم توأمانی دین و دنیا را آغازگر دوره تازه‌ای اعلام کرده که این توأمانی چهارچوب‌های شرق و غرب مادی را درهم شکسته و کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشیده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

محصول تلاش چهل‌ساله انقلاب را عناصری از خیرهای دنیوی و اخروی می‌شمارند و بر تدین و عزت در کنار پیشرفت علمی و صنعتی تأکید کرده است. (همان) بیانیه گام دوم به منظور تحقق هم‌زمان دین و دنیا عناصری بنیادین تجویز و توصیه کرده است. از جمله به آزادی همراه با حفظ ارزش‌ها، توجه به عقلانیت در پیوند با ایمان دینی، حاکمیت علم توأم با حاکمیت معنویت و اخلاق و فراهم کردن زمینه رشد اخلاق و معنویت همراه با مبارزه با عناصر ضد معنویت و اخلاق و انعطاف‌پذیری با وجود عدم انفعال، تأکید کرده است.

۴. مبانی انسان‌شناختی

از جمله مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی در اندیشه اسلامی، توجه به سرشت انسان است. (شریفی، ۱۳۸۴: ۳۲۶) در حقیقت، پاسخ به این پرسش که هویت حقیقی انسان چیست، مقدمه شکل‌گیری سبک زندگی انسان و نوع سلوک او در عرصه‌های گوناگون از جمله خانواده است. از این‌رو، در طول قرن‌های پیاپی، انسان همواره در جست‌وجوی چستی خود بوده و از موقعیت و جایگاه خود در هستی پرسش داشته است. در منابع دینی، از جمله قرآن کریم و

روایات امامان معصوم علیهم‌السلام بیانات بسیاری درباره اهمیت و جایگاه شناخت هویت انسان وجود دارد. (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۳۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۷۲) در قرآن کریم، انسان‌ها به نادیده نگرفتن هویت حقیقی و لزوم اندیشه درباره حقیقت اصیل وجود خویش و فراموش نکردن اصل و اساس خود توصیه شده‌اند (اعراف: ۱۵۶؛ حشر: ۱۹) این همان چیزی است که بشر امروز فراموش کرده؛ به طوری که مشکل کنونی بشر «بحران هویت» است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۶۳) به یقین، بحران هویت بحران در سبک زندگی را رقم خواهد زد و معناداری زندگی را با چالش روبه‌رو خواهد ساخت.

در بیانیه دوم گام انقلاب، دغدغه تعیین فصل ممیز انسان و تعیین عناصر هویت بخش او به روشنی دریافت می‌شود. در این سند، به تبیین و ایجاد تمایز میان شئون مادی و غیرمادی انسان توجه شده است. اهمیت ایجاد این تمایز از آن روست که در انسان دو بعد مادی و معنوی در نظر گرفته شده که تفکیک نکردن میان آنها و تشخیص ندادن اصیل از اعتباری آن، شناختی انحرافی از انسان می‌دهد و نیز بر این نکته که شئون معنوی اصالت دارد، تأکید شده است. ایمان و معنویت به مثابه ساحت اصیل که اعتباری و قراردادی نیست، لحاظ شده است؛ چراکه مبتنی بر فطرت بشر است و فطرت بشر در همه دوره‌ها با آن سرشته شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) همان‌طور که از این عبارت مشخص است، برای تعیین هویت انسان به اموری استناد شده است که به تناسب زمان و مکان و شخص تغییر نکنند؛ یعنی چیزی که در هویت حقیقی انسان دخیل است و همواره با انسان حضور دارد و حتی با مرگ و برزخ و نیز بهشت و جهنم نمی‌توان آن را از انسان جدا کرد و آن چیزی نیست جز روح انسانی متصف به تقوا و عمل صالح. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۴۰) بنابراین، اموری مانند ویژگی‌های جسمی و جنسی و اقلیمی و نژادی و زبانی و نسبی و همه ویژگی‌های مادی و به‌طور کلی ساحت طبیعی وجود انسان که تغییرپذیر و زوال‌پذیر است، بیرون از هویت حقیقی انسان است و در تشخیص هویت انسان کارا نیستند. از همین روی در این بیانیه،

۱. «وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ قَالَ عَدَابِي اَصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءَ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَ اَكْتُبْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ».

۲. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ اُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) در این معنا آزادی نیز در برابر این ارزش الهی، اعتباری خواهد شد و تأکید شده است که آزادی نباید در تقابل با ارزش‌های الهی قرار گیرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

در فقرات گوناگون بیانیه، مؤلفه‌های تقوا، فطرت، ایمان و معنویت به مثابه ابعاد اصیل وجود انسان که جهت‌دهنده و معیار حرکت‌ها هستند معرفی شده است. این موارد نشانگر آن است که هویت حقیقی انسان را حیات متألّهانه شکل می‌دهد. انسان حیات دارد مانند حیات نبات و حیوان ولی این حیات زیربنایی دارد که ایمان و تقوای الهی مبتنی بر فطرت توحیدی است که به معنای تأله است. تأله یعنی خداخواهی مسبوق به خداشناسی و ذوب شدن در الوهیت او. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ب: ۱۵) آن اصل اصیلی که هویت انسان است و انسانیت وی را تأمین می‌کند، روح ملکوتی اوست که مفطور به پشتوانه الهی است. خداوند انسان را با سرمایه علم شهودی و حضوری گران‌بهایی که همان تسویه جان آدمی به الهام و فجور و تقواست، آفریده است که به واسطه این معرفت الهی حقیقت خود را دریابد. ساختار اصلی هویت انسان تغییرناپذیر است بدان علت که هویت انسان به گوهر اصلی وجود او یعنی فطرت الهی وابسته است، که هرگز زوال نمی‌یابد: «فَطَرَتِ اللّٰهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ». (روم: ۳۰)

۵. اصول زیست خانواده تراز تمدن نوین اسلامی

مبانی ارزش‌شناختی ارائه‌شده دلالت‌هایی کلی ناظر به مقام توصییه و تجویز دارند که می‌توان آنها را از راه تشکیل قیاس عملی و یا با تمسک به رابطه علی استنتاج و تبیین کرد.

۵-۱. اصل مسئولیت

براساس مبنای فرافرهنگی و جهان‌شمولی ارزش‌ها می‌توان بر این اصل رهنمون شد که هر خانواده‌ای نه‌تنها در ایران اسلامی، بلکه در هر جایی از کره خاکی تشکیل شده است باید در مسیر رشد اخلاقی خود و جامعه و در نهایت تحقق تمدن نوین اسلامی نقش ایفا کند؛ چراکه ارزش‌های تمدنی ارزش‌هایی جهان‌شمول، نسبی‌ناپذیر و همگانی است. چون خانواده رکنی از ارکان تمدن‌سازی است، پس ارزش‌های خانواده جهان‌شمول، نسبی‌ناپذیر و

همگانی خواهد بود. بنابراین، هر خانواده باید برای تحقق تمدن نوین اسلامی که با تحقق ارزش‌های آن محقق می‌شود، نقش ایفا کند. درحقیقت چون ارزش‌ها ناظر به آنها نیز هست، همه خانواده‌ها مسئول‌اند. اصل مورد اشاره فروعی نیز دارد:

- باید اعضای خانواده را با نتایج اخلاقی اعمال و کنش‌های آنها در بعد فردی و اجتماعی آگاه ساخت و آثار تمدنی رفتارهای آنها را تبیین کرد؛

- تحریک اعضای خانواده برای ایجاد نقش مؤثر در رشد و تعالی خانواده و جامعه بایسته است؛

- فریضه‌سازی در جهت هدف تمدنی خانواده ضرورت دارد.

۲-۵. اصل انطباق

براساس جهان‌شمولی ارزش‌ها اصل لزوم تطابق و همسویی فرایند مدیریت سبک زندگی خانواده با ارزش‌های تمدنی ارائه‌شده به‌دست می‌آید. براین‌اساس، در تشکیل زندگی زناشویی و انتخاب همسر ملاک‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد که با ارزش‌های بیانیه منطبق باشد که این مهم ضامن رشد و تعالی اخلاقی آنهاست. همچنین ارزش‌های قومی، قبیله‌ای، نژادی و فرهنگی در درجه نخست اعتبار و جهت‌دهنده و هدف‌ساز نباید تلقی شوند. به‌صورت کلی در این اصل لزوم انطباق الگوها، برنامه‌ها و هدف‌های خانواده در ساحت‌های گوناگون با ارزش‌های اصیل مورد توجه است.

از این اصل فروعی قابل استنباط است:

- مطابق این اصل می‌توان از مجازت در هنگام خطا سخن گفت؛

- انذار و تبشیر برای منطبق‌سازی رفتارهای اعضای خانواده لازم است.

۳-۵. اصل اولویت

براساس مبنای تدرج داشتن ارزش‌ها به اصل لزوم اولویت‌بندی ارزش‌ها برای آنکه رشد و تعالی اخلاقی معنوی فرایندی تدریجی است، دست می‌یابیم. وقتی ارزش‌ها دارای درجات اعتبار کمی و کیفی هستند باید در سلوک خانودگی پی‌جویی ارزش‌ها با اولویت‌گذاری انجام شود. اصل یادشده در ساحت‌های گوناگون زندگی خانوادگی می‌تواند نقش مؤثر تعالی‌دهنده ایفا کند.

همچنین، بر این نکته که در اولویت‌ها باید نگاه تمدن‌گرایانه داشت توجه می‌شود. از منظر بیانیه گام دوم انقلاب، هدف نهایی انقلاب تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ بنابراین، با اولویت‌گذاری ارزش‌ها تلاش به منظور دستیابی به هدف پیش‌گفته ضرورت دارد. این اولویت برخی فروع را می‌طلبد.

- در صورت وجود تراحم بین ارزش‌ها، از میان دو ارزش مادی و معنوی، ارزش معنوی و از میان دو ارزش معنوی، ارزشی که قرب‌گرایی بیشتری داشته باشد، اخذ می‌شود. این مهم موجب تحکیم و تعالی اخلاقی خانواده براساس منطقی دینی می‌شود. فروع این اصل:

- در مقام رفع نیازها باید به نیازهای اساسی اعضای خانواده اهتمام شود؛

- در مقام کسب مهارت‌ها آنچه منافع اخروی و منافع حال و آینده فرد و جامعه را بهتر تأمین می‌کند باید مقدم شود؛

- در مقام تعلیم و تربیت ساحت‌هایی از تربیت مانند تربیت اخلاقی که نقش در سعادت ابدی دارند باید مقدم شوند؛

- نیازهای جمعی و خانوادگی بر نیازهای شخصی و فردی مقدم شوند؛

- هنگام تراحمات باید نگاه تمدنی حاکم شود؛ برای نمونه، آیا مقوله تک‌فرزندی با نگاه تمدنی ناسازگار است؟ اگر پاسخ منفی است، باید از تک‌فرزندی خودداری شود.

۴-۵. اصل استمرار

یکی از ابعاد مبنای تدرج داشتن ارزش‌ها ناظر به بعد کیفی و تشکیک در ارزش‌هاست؛ براساس این مبنا و از آنجاکه خانواده همواره تحت تأثیر عوامل و موانع گوناگون است بایستگی استمرار تعلیم و تعمیق ارزش‌ها برای استمرار فرایند رشد اخلاقی در خانواده به‌مثابه اصل، آشکار می‌شود. همچنین، از آنجاکه کمال‌طلبی انسان پایان‌ناپذیر است و این کمال‌طلبی از راه واجد شدن به ارزش‌ها محقق می‌شود، استمرار در تعمیق آنها برای پیشرفت همیشگی انسان به سمت کمال نهایی ضرورتی همیشگی و مستمر می‌یابد. از اصل یاد شده فروعی قابل استنتاج است؛ از جمله:

- توجه به ظرفیت‌ها و درجه کیفی (تشکیک) ارزش در هر فرد. براین اساس، انتظارات از

- هر فرد باید براساس ظرفیت و سطح عمق ارزش‌های اخلاقی او باشد؛
- باید نظارتی پیوسته بر تربیت اخلاقی معنوی اعضای خانواده وجود داشته باشد؛
 - به صورت مستمر فعالیت‌های خانوادگی و نیز برنامه‌ها با توجه به اصل یادشده، ارزیابی و بازنگری شوند.

۵-۵. اصل اندیشه‌ورزی در مدیریت

کانون خانواده تحت تأثیر عوامل و موانع گوناگون و نیز دارای اهداف، امکانات، محدودیت‌ها، وظایف، توانمندی‌هاست؛ حتی گاهی دچار چالش‌ها و تعارضات می‌شود. از این رو می‌توان گفت خانواده کانونی پیچیده از شرایط گوناگون است که به مدیریت و تدبیر نیاز دارد تا در پرتو آن، ارزش‌های اخلاقی معنوی، جایگاه حقیقی خود در شئون گوناگون خانواده را بیابند و مدیریت خانواده بر مدار آنها صورت پذیرد. از سوی دیگر، براساس مبنای سنجه‌های ارزش، که بر جایگاه عقل در تعیین حسن و قبح تأکید داشت، می‌توان گفت مدیریت پیش‌گفته باید بر مبنای خردورزی باشد. در نتیجه، یکی از اصول زیست خانواده تدبیر خردورزانه است. این تدبیر سطوح مختلفی دارد؛ از جمله تعیین اولویت‌ها، تعیین اهداف میانی و خاص، ایجاد شرایط مناسب، توجه به منابع انسانی و امکانات، سامان‌دهی و ایجاد هماهنگی و طراحی برنامه‌های جدید و تعیین نحوه اجرای آنها. فروع این اصل:

- استفاده از دیدگاه مشاروان و متخصصان دینی ضرورت دارد؛
- تربیت نسل خردورز و مبتکر که توانایی تشخیص و تعیین نظام اخلاقی معنوی ارزشی را داشته باشند، باید وجه همت والدین باشد.

۵-۶. اصل جامع‌نگری

در مبنای توأمانی خیر دنیا و آخرت بر مطلوب بودن طلب خیرات و لذت‌های دنیوی تأکید شد. همچنین، در مبنای انسان‌شناختی گذشت که انسان دارای دو بعد مادی و الهی است. توجه به این دو مبنا در کنار توجه به اینکه حکمت الهی روشن می‌سازد که هیچ بعد و ساحتی در وجود انسان بیهوده نیست و وجود همه آنها برای دستیابی به سعادت ضرورت دارد (ر.ک: فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۱: ۳۰۴)، به اصل جامع‌نگری رهنمون

می‌سازد. براین اساس، در سلوک خانواده باید همه ابعاد و ساحت‌های وجودی اعضای خانواده مورد توجه قرار گیرد و به همه آنها پرداخته شود تا رشدی همه‌جانبه و جامع در همه ساحت‌های اخلاقی معنوی ایجاد شود. از این روست که در منابع روایی بر تنظیم برنامه زندگی به چهار بخش عمده تأکید شده است. در روایتی امام رضا علیه السلام فرموده است: «بکوشید اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم کنید: وقتی برای مناجات با خدا اختصاص دهید، وقتی را برای امور زندگی، وقتی را برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب‌های شما را به شما گوشزد می‌کنند و شما را در باطن پاک گردانند و وقتی را که در آن برای لذت‌های حلال خود فارغ باشید و با این چهارمی است که برای کارهای سه وقت دیگر توانایی دارید». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵: ۳۲۱) اصل مورد اشاره فروعی دارد از جمله:

- توجه به توسعه مادی زندگی خانواده؛
- توجه به ساحت ظاهری و باطنی اعضای خانواده؛
- توجه هم‌زمان به نیازهای مادی و معنوی، دنیوی و اخروی خانواده؛
- توجه به نقش و رابطه بعد مادی در تعالی و عدم تعالی اخلاقی معنوی اعضای خانواده؛
- برجسته ساختن ارزش‌های اخلاقی اصیل و تعیین درجه اعتبار و ارزش آنها در مقایسه با ارزش‌های اعتباری.

۵-۷. اصل اصلاح شرایط

بر اساس جایگاه حکومت در تعالی خانواده، می‌توان به این اصل دست یافت که اصلاح شرایط خانواده از جمله وظایف حاکمان است. بر این اساس، حاکمان جامعه موظف هستند شرایط را به گونه‌ای سامان دهند که خانواده را در سلوک اخلاقی معنوی و ایفای نقش تمدنی خود یاری رسانند. بر اساس اصل مورد اشاره، اصلاح شرایط نامطلوب، مبارزه با کانون‌های ضد معنوی، ایجاد زمینه مثبت، معرفی و ایجاد اسوه‌های مطلوب، ایجاد موقعیت‌های مناسب، ترجیح مصالح معنوی خانواده بر توسعه مادی از جمله وظایف حاکمان است.

نتیجه‌گیری

کانون خانواده همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. این چالش‌ها به دو دسته چالش‌های نظری و چالش‌های عملی تقسیم می‌شود که کانون خانواده را تهدید کرده و کارایی و ادای رسالت تمدن‌سازی آن را تحت‌تأثیر قرار داده است. این مسئله نیازمند راه‌درمانی است تا مسیر رشد خانواده را در هر دو بعد در مسیری متقن و درست قرار دهد. از همین روی، در این پژوهش، به بازطراحی و بازپژوهی هست‌ها و باید‌های خانواده همت شد تا یک‌بار دیگر مسیر سلوک خانواده براساس شرایط تازه تبیین و ارائه شود. در این میان، نیازمندی به منبع معرفتی متقن که به اقتضائات جدید بی‌توجه نباشد، برای بازطراحی مسیر خانواده در هر دو بعد ضرورت دارد؛ تا به لحاظ اعتبار و پایایی یافته‌ها دچار اشکال و نارسایی نباشند. در همین باره، پس از گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی ایران، رهبر انقلاب برای ادامه مسیر حرکت انقلاب سندی با عنوان بیانیه گام دوم انقلاب ارائه دادند که به منزله راهبرد حرکت انقلاب در ابعاد گوناگون است. این سند هدف اصلی انقلاب اسلامی را تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته است. با توجه به اعتبار این سند و ضرورت پیش‌گفته درباره بازطراحی مسیر حرکت خانواده، نیز با توجه به آنکه خانواده یکی از پایه‌های اصیل تمدن‌سازی است. در پژوهش پیش‌رو، بازطراحی را بر مدار بیانیه گام دوم انقلاب استوار شد و با واکاوی ابعاد گوناگون بیانیه سعی شد هست‌ها و باید‌های خانواده تراز تمدن نوین اسلامی ارائه شود. در همین رابطه، دو ساحت از مبانی ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی تبیین شد که در مجموع به مبانی فرافرهنگی بودن ارزش‌های خانواده، عقلانیت معیار‌سنجش ارزش‌ها، مدرج بودن ارزش‌ها، توامانی خیر دنیا و آخرت و حیات متألّهانه انسان دست یافت. در ادامه، با توجه به مبانی به‌دست‌آمده کوشش شد دلالت‌های آنها در مقام توصیه و تجویز به‌دست آید. در این قسمت نیز به هفت اصل اساسی شامل اصل مسئولیت، اصل انطباق، اصل اولویت، اصل استمرار، اصل اندیشه‌ورزی در مدیریت، اصل جامع‌نگری و اصل اصلاح شرایط به‌منظور سلوک خانواده استنتاج شد. هریک از اصول ارائه‌شده خود دارای فروع متعددی است که در ادامه، به برخی از فروع هر اصل اشاره شد. همچنین اصول ارائه‌شده در مقام تحقق نیازمند بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌هایی هستند که شایسته است در ادامه مسیر این پژوهش، وجه همت پژوهشگران قرار گیرد.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۵۹). مقدمه ابن خلدون. (محمد پروین گنابادی، مترجم). تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اتکینسون، ریتا ال، اتکینسون، ریچارد سی، اسمیت، ادواردای، بم، داریل ج، و هوکسما، سوزان نولن (۱۳۹۴). زمینه روان‌شناسی هیلگارد. (محمدنقی براهنی و دیگران، مترجمان). تهران، رشد.
- آمدی، عبدالواحدبن محمد تمیمی (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم. (مهدی رجایی، محقق). قم، درالکتب الاسلامیه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران، مدرسه.
- بی‌ریا، ناصر و دیگران (۱۳۹۰). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران، سمت.
- جعفری‌پناه، مهدی، و میرعلی، محمدعلی (۱۳۹۹). نقش خودسازی در تحقق صلح عادلانه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. سیاست متعالیه، ۸(۲۹)، ۲۷۵-۲۹۶.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، شهیدصدر و امام خمینی علیه السلام، تهران، پژوهشگاه امام خمینی علیه السلام.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر انسان به انسان، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ الف). حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ب). نسبت دین و دنیا، چاپ پنجم، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، اسراء.
- بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir>.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم. تهران، دانشگاه تهران.
- رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۸). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- رهنمایی، سیداحمد (۱۳۹۹). ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی. اندیشه نوین اسلامی، ۱۶(۶۱)، ۱۸۵-۲۰۴.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۴). مبانی علوم انسانی، تهران، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدا.
- شهریاری، روح‌الله، و نجفی، حسن (۱۳۹۹). هویت حقیقی انسان در اندیشه انسان‌شناختی جوادی آملی، انسان‌پژوهی دینی، ۱(۴۴)، ۹۲-۶۹.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۴). المیزان فی تفسیرالقرآن. (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). بررسی‌های اسلامی. (سیدهادی خسروشاهی، چاپگر). قم، بوستان کتاب.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹). المیزان فی تفسیرالقرآن. (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فتحعلی، محمود، مصباح، مجتبی، و یوسفیان، حسن (۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

قمی، عباس (۱۴۲۶). کلیات مفاتیح الجنان. (الهی قمشاهی، مترجم). قم، مؤسسه بضعه المختار. کریم‌زاده، صادق (۱۳۹۱). رشد اخلاق: تغییر در روی آوردهای معاصر. روان‌شناسی و دین، (۳)۵، ۶۳-۹۵.

کریمی، مصطفی (۱۳۹۳). مرحله مطالعه اکتشافی در نظریه‌پردازی قرآنی. معرفت، ۲۳(۱۹۷)، ۳۱-۴۶.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۴ق). کافی. (علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصححان). تهران، دارالکتب الاسلامیه.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ. (حسین حسینی بیرجندی، مصحح). قم، دارالحدیث.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحارالانوار. بیروت، الوفاء. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). راه و راهنماشناسی. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). سلامت معنوی از دیدگاه اسلام. تهران، حقوقی. مصباح، مجتبی (۱۳۹۰). بنیاد اخلاق. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). فلسفه اخلاق. تهران، صدرا. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). صحیفه نور. تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۹). اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم. حکومت اسلامی، ۲۵(۹۵)، ۱۱۲-۱۳۴.

Reber, Arthur S.; & Reber, Emily. (2001). *The Penguin Dictionary of Psychology*. London, Penguin Books.